

نفرت از غرب و تمدن غرب!

نکات ضعف تمدن مغرب زمین را از زبان يك نویسنده نژادپرست

انگلیسی بشنوید

... از موقعی که به دوره بلوغ، گذاشته‌ام (اکنون ۷۵ سال از سرم می‌گذرد) غرب دو جنگ جهانی به راه انداخته، کمونیسم، فاشیسم و نازیسم را بوجود آورده، موسیقی، سینما و هنر و مکتب کاترینی را در دامن خود پرورده است این موجودات وحشتناک غربی باعث میشوند که من به عنوان يك آدم غرب‌پزیش احساس نا ایمی کنم.

مادر سال ۱۹۵۶ چندین مراد مردم غیر عظامی بی‌فاج را در برتساید کتیم.

آها ممکن نیست که با هم مرتکب چنین اعمالی بشویم، از این جنایتکاران دیوانه معاصر غربی چنین کاری بعید نیست.

من از هم و نفرت به خود می‌لرزم کاش آن خاکساری متروکه که سببیت به دامن می‌رسید؛ و مرا از سیاحتکاری و بزهدکاری خود خواهانه غریبان مسیحی امروز نجات میداد بجای آنکه غربی و آدمی مثل هیتلر باشم، اگر هم وطن گمانی می بودم احساس تعالی روح و نفس میکردم. اما خود می‌تلرزا نمیتوان تا دیده گرفت. این موجود غربی تا آخر عمر گریبان من را رها نخواهد کرد.

گذشته از جنایات معاصر غربی، انگلیسهای تنگ دیگر که بر دامن مغرب زمین هست که من آنها را نفرت انگیز و مشمئز کننده میدانم. با اینکه من نظام سابق برده‌چامنه ساختن فرودان را در این ناپسند میدانم، توجه به فر دیت و فر دادر مغرب زمین که به افراط کشیده ناپسند تر می شمارم و از آن به مراتب نفرت دارم. جامعه امروز نسبت به مردم سالخورده و سخت منی التفات و بی‌اعتناست به عقیده من تاکنون این اولین مدینتی است که در آن سالدیدگان در خانه‌های فرزندان بالغ خود جایی ندارند و طرفه اینجاست که این را امری مفهومی میدانند. اگر بادی‌های غیر غربی به این من احترامی و بی ادبی غربی نگاه کنیم آنرا بی اندازه مشمئز کننده می بینم.

چیز دیگری را که در غرب ناخوشایند می بینم موضوع تبلیغ کالا بازاریابی است. تبلیغات تجاری یا استفاده از بلاغت بشری به صورت هنری مستطرفه در آمده است در حالی که رسوم جمعیت دنیای کنونی محتاج ابتدائی ترین حواشی زندگی هستند. به غیر تبلیغات کالاهای غیر لازم را به خورد مردم میدهند این یکی از وجوه ذلت جامعه متمدن است. و اگر بعضی بگویند که تبلیغات قیمتی است که با بهره از ای مال و مکتب پرداخته شود. من تردید نخواهم گفت که این

مال و منال به قیمت بسیار گرانی خریده شده است.

قیمت دیگر مال و مکتب امروز استاندارد کردن کالاها و خدمات انبوه تولید شده است، این موضوع فی‌نفسه از ارزش انداختن جنبه ملی فرهنگ بشری است که بسیار سایه تأسف است، و در ضمن موجب استاندارد کردن معنوی میشود که به مراتب بدتر از فقره اول است. با نگاه کردن به تاریخ گذشته غرب - گذشته‌ای که وقتی من طفلی بودم هنوز حال بود - توفیق غرب قرن نوزدهم را در به عقب انداختن سبب بیداری جنسی تجربه‌های جنسی و انجذاب جنسی به سالهایی بس دیرتر از سن بلوغ جسمانی ستایش میکنم، شاید به من بگویند که این امر خلاف طبیعت بود، ولی باید دانست که انسان بودن مستلزم پشت سر نهادن طبیعت و از قالی آن خارج شدن است - یعنی غلبه یافتن بر محدودیت‌های بیولوژیکی است که از آباء و اجداد ما قبل انسانی خود به ارث برده‌ام.

تمام جوامع انسانی با خلق و نظن‌های که از نسلی به نسل دیگر به ارث رسیده بر هر که غلبه میکنند جنبت یکی از وجوه میراث بیولوژیکی ما است که هر دو در سر ارونا راحت کننده تر از سر که است. و جامعه قرن نوزدهم غربی با موفقیتی نسبی با جنسیت و واحه بود، چه با توفیق جنس بیداری جنسی دوره آموزش و پرورش را اطلاع میدهند، همین موضوع د توفیق جامعه غربی قرن نوزدهم در آموختن تفکر برای خویشن بجای کردن نهادن و پذیرفتن در دست سنن و رسوم بود که عوامل سبب و توفیق غرب را در چند قرن اخیر تشکیل میدهد.

قرن بیستم در قرن نوزدهم بحق این سنت دیرینه هندو را که پیش از رسیدن به سن بلوغ ازدواج میکردند محکوم شمردند، و نیز وضع پسر مسلمان تیز هوشی را که در بعضی از جاها به او اجازه داده میشد با برداشتن به لذات شهوانی و جنسی در سن بلوغ به انتحار معنوی دست بزند رقت آوردانستند اکنون غرب قرن بیستم عادات و غیر غربی را که بحق در قرن نوزدهم محکوم کرده بود تقلید میکند.

تاشکیبانی غیر منطقی مغرب زمین امروز ستایش کور کورانه ما از سرعت به خاطر سرعت شالوده‌تعلیم و تربیت فرزندان ما را معتزلزل ساخته است.

ما در شد آنها را به عمد و جبر به جلو میاندازیم، انکار جوجه‌های در ماشین پرورش جوجه هستند ما آنها را بسوی بیداری پیش‌رسی جنسی حتی پیش از آنکه بلوغ جسمانی به آنها دست داده باشد سوق میدیم در حقیقت. فرزندان خود را از حق انسانیشان که داشتن دوران کودکی باشد محروم می‌کنیم، این استعمار جبری جنسی در ایالات متحده آمریکا آغاز شد، و طولی نکشید که در انگلستان نیز شیوع پیدا کرد و جبه بسیار مالک غربی دیگر هست که این سیستم منحرف سوء تربیت در آنجا در حال رخنه کردن و سلب شخصیت و روحیه است.

نحوه تربیت و بار آوردن نسل جوان در غرب سراپا متناقض است.

در عین حال که سن بیداری جنسی را تا حد رسوم در میان هندوان پائین می‌آوریم - و

همای آن نیز سن تحریر جنسی را - سعی میکنیم که دوره آموزش و پرورش را طولانی تر کنیم .
 پسران و دختران را وادار میکنیم که در سنین دوازده یا سیزده نسبت به جنسیت و توق
 بیایند . بعد از آنها میخواهیم که تحصیلات ما بعد لیسانس خود را تا نزدیک سن سالکی ادامه
 دهند ولی این نوجوانان چگونه میتوانند در عرض این شانزده یا هفده سال قسمت دوم توجه
 خود را به درس و تحصیل علم معطوف کنند در حالی که موضوع جنسیت ذهن آنان را آکنده است ؟
 ما به خود می‌بالیم که برای همه تحصیلات متوسطه و دانشگاهی فراهم آورده ایم اما اگر
 همای این اقدام به شیوه نیاکان خود که تویق سن معصومیت جنسی بود اقتدا نکنیم باد
 کاشتهایم و طوفان دروگردهایم اگر به نحوه تربیت و آموزش کنونی خود ادامه دهیم
 تمام این سازمانها و مؤسسات مدرن تحصیلات عالی در عمل چیزی بیش از
 يك باشگاه اجتماعی برای معاشقه و شهواترانی نخواهد بود .

این گرایش به مجامعت پیشرو یکی از نشانه‌های اخلاقی معیبت معاصر غرب زمین است
 یکی دیگر از نشانه‌های معنوی این تمدن تا کید در آن به تقسیم و اشتقاق عالم به اجزای خرد
 خرد تراست . زاد بشری را به تعداد کثیری از دولت‌های مستقل ملی تقسیم کرده است معرفت
 تفاهم انسانی را به دسته‌ای از اصول انضباطی سخت و قشری منقسم نموده است سن از نامیونالیسم
 و احساسات ملی بیرادم و از تخصص بیزارم ، و این هر دو اصل ساخته و پرداخته غرب است .
 نقل از مجله سخن پاتلجیس

(بقیه از صفحه ۳۴)

فؤاد الخطیب بهره‌مند شدند ، یکی از جملات -الب او این بود : « ما مسلمانان اگر
 با همدیگر صمیمی و برادر باشیم میتوانیم جهان را تغییر دهیم »

پس از نماز عشا برنامه مخصوص کودکان با شرکت همه حضار اجرا گردید ، ریاست
 کمیته کودکان به عهده بانو مهتابا الخطیب بود .
 فواد صبح ، پس از آنکه نماز صبح در ساعت ۵:۰۰ انجام شد ، سخنرانی کوتاهی را آقای
احمد توتونچی درباره لزوم تشکیلات نهضت دانشجویان مسلمان ایراد کرد .
 سپس مجلس مشترک کمیته‌ها ، با تلاوت آیاتی از قرآن مجید تشکیل شد و کودکان بر-
 جسته مسلمان جایزه‌هایی را دریافت داشتند و آنگاه آقای یونس مختارزاده سخنرانی کرد و
 تأکید نمود که راه پیروزی هدفهای اسلامی فقط ایمان است .

ماخذ را سیاستگر داریم که با توفیق داد و توانستیم اردوی بزرگ را در قاره آمریکا
 بوجود آوریم و بخاطر مصالح خانواده‌ها و کودکان مسلمان را اگر دعوت آوریم و در راه کوشش مشترک به
 تبادل افکار بپردازیم .

در این کنفرانس دوستان مسلمان مشتاقانه و با کمال سیرت از نظریات همه‌گیر آگاه
 شدند و بایک سلسله دانستی‌های گرانبها ، به‌خانه‌ها و مراکز خود بازگشتند و برای همیشه
 خاطرات ارزنده‌ای را از این اردو کنفرانس ، همراه خواهند داشت .